

اسرار عرشیه

بررسی و تحلیل تعلیقات
امام خمینی علیه السلام بر مصباح الأنس

جلد اوّل

یاسر جهانی پور

سرشناسه	جهانی پور، یاسر، ۱۳۵۹ -
عنوان قراردادی	تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و تعلیقات علی مصباح الانس. شرح
عنوان و نام پدیدآور	اسرار عرشیه: بررسی و تحلیل تعلیقات امام خمینی (س) بر مصباح الانس (ج. ۱) / یاسر جهانی پور.
مشخصات نشر	تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	ج. ۲:
شابک	(دوره) ۹-۵۰۲-۲۱۲-۹۶۴-۹۷۸: (ج. ۱) ۶-۵۰۳-۲۱۲-۹۶۴-۹۷۸
یادداشت	کتاب حاضر شرحی بر کتاب «تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و مصباح الانس» اثر روح الله خمینی که خود شرحی بر کتاب «مصباح الانس» اثر محمد بن حمزه فناری و کتاب «مفتاح الغیب» اثر محمد بن اسحاق صدرالدین قزوینی است.
یادداشت	کتابنامه.
عنوان دیگر	بررسی و تحلیل تعلیقات امام خمینی (س) بر مصباح الانس.
موضوع	فناری، محمد بن حمزه، ۷۵۱-۸۳۴ ق. مصباح الانس - نقد و تفسیر / صدرالدین قزوینی، محمد بن اسحاق، ۶۰۷-۶۷۳ ق. مفتاح الغیب - نقد و تفسیر / تصوف - متون قدیمی تا قرن ۱۴ / عرفان - متون قدیمی تا قرن ۱۴.
شناسه افزوده	خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸. تعلیقات علی شرح فصوص الحکم و تعلیقات علی مصباح الانس. شرح / مؤسسه چاپ و نشر عروج.
رده بندی کنگره	۳۴۰، الف/۲۳۸ BP
رده بندی دیویی	۲۹۷ / ۸۳
شماره کتابشناسی ملی	۵۱ ۶۶۲۷

کد / م ۳۱۱۸



مؤسسه چاپ و نشر عروج

اسرار عرشیه (ج. ۱) (بررسی و تحلیل تعلیقات امام خمینی (س) بر مصباح الانس)

تألیف: یاسر جهانی پور

ناشر: چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی)

چاپ اول: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت با جلد شومیز: ۷۷۰۰۰ تومان

قیمت با جلد سخت: ۸۸۰۰۰ تومان

• فروشگاه شماره یک: خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخر رازی، پاساژ ظروفچی، تلفن: ۶۶۴۹۳۰۸۱ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• فروشگاه شماره دو: خیابان انقلاب، چهار راه حافظ، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز پخش: امور نمایندگیها و نمایشگاهها، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳

• امور سفارشات و بازرگانی، تلفن: ۶۶۴۸۹۱۶۰

• فروشگاه مجازی مؤسسه عروج

www.oroujpub.com

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

<http://imam-khomeini.ir>

فهرست مطالب

.....	سخن ناشر	أ
.....	مقدمه مؤلف	ج
.....	پیش گفتار	۱
.....	۱- شرح حال صدرالدین قونوی رحمته الله	۱
.....	۲- شرح حال ابن فناری	۲۳
.....	۳- شرح حال امام خمینی رحمته الله	۳۰
.....	پیرامون کتاب حاضر	۵۳

مقدمه الشارح

.....	حمد و مراتب آن	۶۲
.....	تعریف حمد	۶۳
.....	مراتب حمد در عوالم غیب	۶۴
.....	دیدگاه قیصری در باب حمد	۶۸
.....	مراتب حمد در عوالم شهود	۷۰
.....	حمد خلق برای خلق	۷۰
.....	حمد خلق برای خالق	۷۷
.....	مراتب حمد سالکان	۸۰
.....	مراتب قرب به حق	۸۳

الفاتحة في مقدمات الشروع

۹۰	 حقیقت وصل رحم
۹۹	 حوض کوثر
۱۰۰	 حوض کوثر و بیان حقیقت آن در نگاه عرفا
۱۰۰	 تعبیر حوض در مسلک عرفانی
۱۰۷	 تعبیر حوض کوثر در مسلک عرفانی
۱۱۳	 حقیقت زان و شناخت ظهر و بطن آن
۱۱۵	 اسماء قرآن
۱۲۱	 قلب پیامبر محسن نزد قرآن
۱۲۷	 عنیت قرآن و حقیقت حمد در هدایت به سوی الله
۱۳۰	 حقیقت لیلۃ القدر به مذاق اهل فاع
۱۳۸	 بطون قرآن
۱۴۳	 بیان تعلیقه امام خمینی و تکمیل شرح آن
۱۵۵	 رابطه فقه و اصول
۱۵۷	 تفاوت قواعد فقه با قواعد اصول
۱۶۰	 فتوحات ثلاثه
۱۶۱	 شرح عرفانی از معنای فتح
۱۶۱	 مراتب فتح
۱۶۸	 انباء پیامبران از اسرار قدر و افشاء آن
۱۶۹	 تفاوت زبان پیامبران و حکیمان
۱۷۶	 اسم مستأثر
۱۸۲	 بیان امام خمینی در باب اسماء مستأثر
۱۸۹	 دلیل وجود اسم مستأثر
۱۹۱	 عدم ظهور حقیقی اسماء مستأثر

۱۹۴	مبادی و مسائل عرفان
۱۹۹	مراتب ظهورات اسماء
۲۰۴	القائات و مراتب آن
۲۱۰	امتیاز میان القائات
۲۱۴	فتح آلی
۲۱۵	مقام ادب با حق
۲۲۱	محو اثر قلب اعتزالی از سالک
۲۲۲	مقام ذکر
۲۲۲	معنای ذکر
۲۲۵	مراتب ذکر
۲۳۱	باب الهمان
۲۳۷	باب الولایه
۲۳۸	مقدمه‌ای در بیان معنای ولایت
۲۴۵	معنای ولایت در عرفان
۲۵۲	ترتیب وجودی ذاتی، دهری و زمانی
۲۵۶	وقت
۲۶۲	باب الاخلاص
۲۶۸	مراتب سرّ وجودی
۲۷۴	تعیین ثانی و سلوک در مرتبه واحدیت
۲۸۱	سلوک در اسماء ذات
۲۸۳	باب التلیس

التمهید الجملي في ذکر ما به صحّ ارتباط العالم بالحقّ والحقّ بالعالم

۲۹۲	اختیار حق تعالی
۲۹۴	تعریف اختیار

۲۹۶		موجبیت و اختیار حق
۳۰۲		دیدگاه عرفا درباره اعیان ثابتة
۳۰۵		اعیان ثابتة و تعریف آن از دیدگاه عارفان
۳۰۷		تفاوت میان اعیان ثابتة و ثابتات ازلی
۳۱۴		دیدگاه معتزله و بیان امام خمینی علیه السلام
۳۲۱		ارتباط ممکنات با واجب الوجود
۳۲۲		دورانیه عرفا در نحوه ارتباط میان واجب و ممکن
۳۲۶		دیدگاه فاسفیه در نحوه ارتباط میان واجب و ممکن
۳۲۹		خداوند مؤثر حرامی
۳۳۱		کلام خداوند
۳۳۶		مراتب کلام حق
۳۴۷		امکان وجودی صادر اول
۳۵۰		وحدانیت معلول اول
۳۵۱		صدور کثیر از واحد از نگاه عرفا و فلاسفه
۳۵۲		بررسی مسأله صدور کثرات از نگاه فلسفه
۳۵۵		قول فلاسفه مشاء و اشراق مبنی بر صدور کثرت از عقل اول
۳۵۷		اشکالات وارد بر اقوال مذکور و قاعده الواحد
۳۶۱		بررسی مسأله صدور کثرات از نگاه عرفا
۳۶۲		در مظاهر متجلی از حق
۳۶۵		بیان قانونی و امام خمینی در باب صدور کثیر از واحد
۳۷۰		مقام عماء
۳۷۸		نسبت ارتباط میان حق و خلق
۳۸۱		فیض منبسط
۳۸۷		تعیین ظاهر در مظاهر

۳۸۸.....	تأنیس کلی عقلی و ظهور حق
۳۹۰.....	احکام ظاهر، مظهر و ظهور
۳۹۸.....	اجتماع ظاهر و مظهر
۴۰۱.....	رابطه ذات و صفات از دیدگاه عارفان
۴۱۰.....	رابطه ذات و صفات از دیدگاه متکلمان و فیلسوفان
۴۱۳.....	کشف و مراتب آن
۴۲۴.....	عدم معرفت حقیقی به حق
۴۲۵.....	وضع کلمات الهی در مراتب وجود
۴۳۰.....	نسبت میان اعیان ثابت و متغیر
۴۳۷.....	ظهورات وجود
۴۴۶.....	نسبت میان حق و خلق در عوالم وجود
۴۵۳.....	صور نوعیه
۴۵۶.....	نسبت بین جوهر و عرض در فلسفه و عرفان
۴۵۷.....	تعریف جوهر و عرض از دو منظر عرفانی و فلسفی
۴۶۶.....	نسبت تقدم و تأخر بین جوهر و عرض از نگاه فلاسفه و عرفا
۴۷۶.....	حضور اتفاقی
۴۷۷.....	مراتب مؤثر
۴۸۲.....	مراتب تأثیر
۴۸۵.....	نسبت میان اثر و مؤثر
۴۸۸.....	مراتب تأثرات و تصورات
۴۸۹.....	ویژگی های اقسام تصورات
۴۹۴.....	مراتب تصورات از نگاه ابن فناری رحمته الله
۴۹۶.....	ادراکات روحانی
۵۰۰.....	تصور جامع
۵۰۳.....	مراتب ادراکات روحانی

۱- شرح حال صدرالدین قونوی رحمه الله

شیخ کامل و عارف واصل، جامع مول و معقول و مشهود، سلطان محققین و مکاشفین، صدرالدین محمد بن إسحاق بن، حمد بن یوسف بن علی القونوی (قدس الله نفسه الزکیه)، کنیه او أبوالمعالی و نسب شیخ کرامت است.^۱ در سنه ۶۰۶ یا ۶۰۷ ق متولد و در سال ۶۷۳ ق وفات یافت. میان او و جلال الدین رومی معروف به مولانا یا مولوی مصاحبت و دوستی بوده و نیز مکاتباتی با جناب نصیر المله و الدین خواجه طوسی رحمه الله داشته است.^۲

او همچنین صاحب و ربیب قطب عارفان شیخ المشایخ، جناب محی الدین ابن العربی ملقب به شیخ اکبر بوده است. قونوی از محضر ابن عربی بهره برد، و تربیت معنوی و روحی شاگردان را پس از استاد عهده دار بوده است. چنان که از احوال برمی آید، قونوی صاحب سر و همراه ثابت ابن عربی و مناسبات میان ایشان فراتر از حد شاگرد و

۱. نفحات الأنس، ص ۶۴۴.

۲. خواجه نصیر طوسی در مراسلاتی که با صدرالدین قونوی داشته است از ایشان با این القاب یاد می کند: خطاب عالی مولانا، امام معظم، هادی الأمم، و کاشف الظلم، صدر الملة والدين، مجد الاسلام والمسلمين، لسان الحقيقة، برهان الطريقة قدوة السالكين الواصلين المحققين، ملك الحكماء والعلماء في الأرضين، ترجمان الرحمن، أفضل و اکمل جهان - أدام الله ظله. (مراسلات، ص ۸۶)

استادی بوده است. به گونه‌ای که می‌گوید: آنچه از افاضات و روحانیات که بر قلب شیخ اکبر وارد می‌شده، بر او نیز به سبب همراهی با شیخ وارد شده است.

قانونی علوم اهل طریقت را نزد ابن عربی آموخت. از گفته‌های او پی می‌بریم که در آن زمان ارواح نبوی در قالب جسمانی بر ابن عربی تجلی می‌کرده‌اند و یا در شهودهای دریافتی خارج العاده با روح او متحد می‌گشته‌اند. قانونی گوید:

شیخ ما ابن عربی می‌توانست با روح هر یک از انبیا و اولیای گذشته که می‌خواست اجتماع کند به یکی از این سه نحو: به خواست خدا، روحانیت او را در این عالم فرود می‌آورد و وی را متجسد در صورت مثالی شبیه به صورت - کسی که از زندگی دنیوی‌اش داشت ادراک می‌کرد. یا به خواست خدا او را در عالم خراب خود احضار می‌کرد و در آخر به خواست خدا از قالب خود منسلخ می‌شد و با او ملاقات می‌کرد.^۱

این سخن از قانونی بیان‌گر ارتباط بسیار نزدیک او به شیخ خود یعنی ابن عربی است. او همچنین در مقدمه کتاب فکوک در - علم من علت تألیف کتاب می‌فرماید:

چون کتاب فصوص الحکم از نفیس‌ترین و گران‌بهاترین کتاب‌های شیخ و پیشوای کامل، محی‌الدین ابی عبدالله محمد بن علی بن عربی طایبی است - که خداوند از او خشنود باد - و از آخرین تصانیف است که از کانون مقام محمدی و مشرب ذاتی و جمع احدی وارد شده... و شکی نیست که آگاهی بر کتابی که این شأنش و منبع علمی که وین عنوانش است بستگی بر تحقق به [مقام] وارث بودن از کسی را دارد که تمامش را چشیده و بدان [وراثت] بر وی [حقایق] فتح و از جانب او برایش کشف و بدان واسطه به سویش [برای اظهار حقایق و اسرار] فرستاده شده باشد... لذا کسانی که از

زندان‌های قیود و بندهای فکر و حس رها شده و به عرصه و فراخنای حضرت قدس رسیده‌اند، تمایل در حل مشکلات این کتاب و برطرف کردن مبهمات و دشواری‌های اسرار کلی و علوم بلند و گران‌بهای آن که غذای ارواح صاحبان خود است پیدا نمودند، پس حقایق اشیاء را در مراتب کلی‌اش به واسطه ادراکات مطلق و پاک و بلند ادراک نمودند و درخواست کردند که هر از آن‌ها بردارم و راز اصولش را روشن کنم و پنهانش را آشکار سازم. قفلش را با شرح مجمل و مختصر آن برگشایم. این درخواست را پذیرفتم، چون استحقاق و شایستگی آنان را می‌دانستم و خود - به واسطه ارشاد راه‌نمای آنان - به پروردگارشان تقرب و نزدیکی جست. با این توضیح که در حاشیه کتاب را از نویسنده‌اش به شرح و نه بیش‌تر، نخواندم ولی خداوند به نیت او بر من منت نهاد و مرا در اطلاع و آگاهی بر آنچه که وی را مطلع ساختار دیده‌وری بر آنچه که برایش روشن نموده و گرفتن از خدا - بدون واسطه و بی‌بی - با وی مشارکت روزی کرد. [این منت] محض عنایت الهی و واسطه اتی بوده است و خداوند مرا در آنچه از احکام و ساینده و خواص اسباب و شرط‌ها و روابط که اقامه کرده است حفظ کند و این را خالص برای خودش و جهت تقرب به سوی او و سودمند برای من و آنان، این‌جا و روز ورود بر او، قرار دهد.^۱

پدرش در صغر سن او وفات کرد و مادرش به ازدواج محی‌الدین ابن العربی (شیخ اکبر) در آمد و بدین وسیله صدرالدین نیز در تحت تربیت ناپدری مذکور و دیگر اکابر در آمده، موفق به اخذ علوم متنوعه شد و در اندک زمانی با کمال زهد و تقوا و ریاضت و مجاهده، جامع فقه و حدیث و علوم

ظاهری و باطنی و عقلی و نقلی گردید و در همه آن‌ها وحید عصر و مرجع استفاده و استفاضه اکابر وقت بوده است. قطب‌الدین شیرازی از تلامیذ وی بوده و با سعدالدین حموی ملاقات کرده و رابطه محبت با همدیگر داشته‌اند.^۱

قان بغدادی به یک واسطه یعنی شیخ عبدالله یافعی از شمس‌الدین ذهبی صاحب تاریخ اسلام متوفی سنه ۷۴۸ که از بزرگان اهل سنت است نقل می‌کند که در ترجمه شیخ محی‌الدین علی گفت:

هو الشيخ الامام الزاهد الولی بحر الحقائق والفنون ذو العلوم المفیده والتصانیف السعیده ابو عبدالله محمد بن علی بن محمد بن أحمد بن علی الحاتمی الطائی الأندلسی الملقب بحمیر الدین المعروف بابن عربی رضی الله عنه. در فن عرفان نظیر نداشت و در زمان خود بی‌مثال بود. به بلاد روم سفر کرد و با مادر قطب وقت یعنی صدرالدین قونری صاحب علوم لدنی و اسرار ربانی ازدواج بفرمود و او از اعیان اصحابش و تخصص به خودش بود انتهی کلام الحافظ شمس‌الدین الذهبی الذی حکاه عن الشيخ عبدالله یافعی.^۲

عبدالرحمن جامی در نفحات الانس در احوالات شیخ کبیر آورده است: «کنیت وی ابو المعالی است. جامع بوده است میان جمیع علوم، چه ظاهری و چه باطنی، و چه عقلی و چه نقلی. میان وی و خواجه نصیرالدین طوسی اسئله و اجوبه واقع است. با شیخ سعدالدین حموی بسیار صحبت داشته است و از وی سؤالات کرده. شیخ بزرگ (محی‌الدین عربی) - رضی الله عنه - در آن وقت که از بلاد مغرب متوجه روم بود، در بعضی مشاهد خود به وقت ولادت وی، و استعداد و علوم و تجلیات و احوال و

۱. کتاب الفکوک، ترجمه محمد خواجوی، ص سیزده.

۲. الدر الثمین فی مناقب الشیخ محی‌الدین، ص ۲۷ - ۲۸.

مقامات وی، و هر چه در مدت عمر و بعد از مفارقت در برزخ و بعد از برزخ بر وی گذشت و خواهد گذشت، مکاشف شد. بل شاهد احوال اولاده الإلهیین و مشاهد هم مقاماتهم و علومهم و تجلیاتهم و اسمائهم عند الله و حلیه کلّ واحد منهم و احوالهم و اخلاقهم، و کلّ ما یجری لهم و علیهم إلى آخر اعمارهم و بعد المفارقة فی برازخهم و ما بعدها. و چون به قونیّه رسید بعد از ولادت وی و وفات پدرش، مادرش به عقد نکاح شیخ درآمد، و وی در خدمت و صحبت شیخ تربیت یافت. وی نقاد کلام شیخ است. مقصود شیخ در مسأله وحدت وجود بر وجهی که مطابق عقل و شرع باشد، جز به تتبع تحقیقات وی و فهم آن - کما ینبغی - مسأله نمی‌شود.^۱

قونوی از تلامذه خاص این عربی رده و خود نیز شاگردان زیادی در عرفان تربیت نمود که هر یک خود از غواصان ظاهر در دست دریای عمیق عرفان‌اند. از آن جمله می‌توان به فخرالدین عراقی^۲، قطب‌الدین سیرانی^۳، ریدالدین جندی^۴، شمس‌الدین

۱. رک: نفحات الأنس، ص ۶۴۵ - ۶۴۸.

۲. فخرالدین عراقی از شعرا و عرفای بزرگ قرن هفتم و از اکابر مشایخ عرفیه است. این عارف محقق، لمعات را به روش این عربی تألیف نموده و به جای کلمه وجود، لفظ عشق را که در هیچ موانع و برزات هستی، عین وجود است، منشأ ظهور تعین و سبب تحقق و تحصیل عالم، بلکه علت تجلی در مراتب اسما و احذیت دانسته، لذا عشق را در موطنی مقام غیب الغیوب و در مرتبه‌ای متحد با جمیع کمالات و شئون و رمشی ظاهری ظاهر در کسوت اسماء و صفات و اعیان و ماهیات و در مراتب خلقی، عشق را ساری در کلیه مظاهر می‌داند. در باب اتحاد عاشق و معشوق و عشق، از برای حب، جلوه‌های گوناگون قائل شده است: عشق در پرده می‌نوازد ساز هر زمان زخمه‌ای کند آغاز

همه عالم صدای نغمه اوست که شنید این چنین صدای دراز

عارف محقق، نورالدین عبدالرحمن جامی، به لمعات شرح بسیار نفیسی به فارسی نگاشته است که از نوادر آثار عرفانی به شمار می‌رود و به نحوی عالی و عالمانه، مقاصد لمعات را تقریر فرموده، و آن را «اشقة اللّمعات» نام نهاده است. (مقدمه مشارق الدراری سید جلال الدین آشتیانی، ص ۱۹)

۳. مؤیدالدین جندی در مقدمه کتاب تشرح فصوص الحکم خود، در تمهیدی به ذکر القاب شیخ خود - قونوی - می‌پردازد و می‌گوید: و لقد کان سیّدی و سندی و قدوتی إلى الله تعالی، الإمام العلام، علم العلماء الأعلام، شیخ مشایخ الإسلام، حجّة الله فی الأنعام، سلطان المحقّقین، کھف العارفین الواصلین، ذخر العالمین بالله فی العالمین، إمام

ایکی، عقیف الدین تلمسانی^۱ و سعدالدین فرغانی^۲ اشاره کرد.

آثار و تصنیفات

آثار عرفانی قونوی متعدد و برخی منتسب به اوست. در این فصل از ذکر آثار منتسب

الشیخین، مکمل الأفراد والنادر من الأولاد الإلهیین، أبو المعالی، صدر الحق والدين، محیی الإسلام والسمین، محمد بن إسحاق بن محمد بن یوسف القونوی - رضی الله عنه وأرضاه به منه - شرح لی خطبة الكتاب وقد أهرار الرب علیه آیاته، ونفخ النفس الرحمانی بنفحاته، واستغرق ظاهری وباطنی روح نسماته، وفوح نفائس أنفاه - ونفثاته، وتصرف بباطنه الکریم - تصرفاً عجیباً حالياً - فی باطنی، وأثر - تأثیراً کمالیاً - فی راحلی وقاطنی، فإن فی الله من ذلك مضمون الكتاب کله فی شرح الخطبة، وألهمني مصون مضمون أسرارہ عند هذه القرية.

او سرور و سند و پیشرو من سوی خداوند تعالی بود یعنی امام علام، پرچمدار علمای اعلام، شیخ مشایخ اسلام، حجت الهی در میان مردمان، سلطان محقق، ین نگاه عارفان و اوصلا، ذخیره الهی در بین جهانیان، امام وارثان محمدی... ابو المعالی صدر الحق والدين... بنیاس اسلام و مسلمین محمد بن اسحاق بن محمد بن یوسف القونوی رضی الله عنه و أرضاه به منه، خطبه فصوص را از ای من شرح کرد و در اثنای آن واردی غیبی بر وی وارد گشت و اثرش ظاهر و باطن مرا فرا گرفت، سپس از من - رقی شگفت نمود و مضمون کتاب را بتمامه - در شرح خطبه - مفهوم گردانید و چون این معنی را از من دریافت کرد، من نیز از حضرت شیخ درخواستم که کتاب فصوص را بر من شرح کند، خطبه را شرح کرد و در اثنای آن در من تصنیف نمود که مضمون تمام کتاب معلوم شد. من از این داستان بسیار مسرور شدم و دانستم که مرا بهره‌ای تمام خواهد بود. پس از آن فرمود: آن را شرحی بنویس. پس در حضور وی - إجلالاً لقدره و امتثالاً لأمره - خطبه را شرح کردم. (شرح فصوص الحکم، جندی، مقدمه، ص ۱۹)

۱. عقیف الدین سلیمان بن علی بن عبدالله بن علی تلمسانی، از مشاهیر عرفا و شعرا ادبای وقت خود می‌باشد که در قصبه تلمسان از بلاد مغرب زمین متولد شد. اکثر اوقات در مصر و شام امرار حیات نمود، اشعار عارفانه دقیق المعانی او بسیار است، یک دیوان شعر و شرح منازل السائرین خواجه عبدالله انصاری از آثار قلمی او می‌باشد. تألیفات بسیاری یدو منسوب دارند.

۲. سعید الدین محمد بن أحمد بن محمد فرغانی، ملقب بسعد الدین، مکنی بأبی عبدالله، از افاضل قرن هشتم هجرت و مؤلف کتاب منتهی المدارک می‌باشد که شرح قصیده تائیه کبری این فارض بوده و از تألیف آن در سال هفتصد و سی‌ام هجرت فراغت یافته است. سال وفاتش به دست نیامد. در کشف الظنون گوید: منتهی المدارک و مشتهی لب کل کامل و عارف و سالک تألیف شیخ سعد الدین سعید محمد فرغانی و آن مقدمه‌ایست به منزله دیباچه شرح تائیه. (ریحانة الادب، ج ۳، ص ۳۸)

به او خودداری می‌کنیم.

۱. اعجاز البیان فی شرح کلیات أسرار أم القرآن

قونوی رحمه الله این نام را در نفعه چهارم از کتاب *نفحات الیهیه* بدین شرح بیان نموده است:

وبین الشهادة والوسط أيضاً مرتبة عالم المثال المقید ومستوى الصحف الإلهية والتمتع المتفرعة عن الكتاب الربانی المختصّ بسماء الدنيا، كما قد أوضحت ذلك في كتاب اعجاز البیان المشتمل على شرح کلیات أسرار أم القرآن.^۱

اما مرحوم سیدجلال الدین آشتیانی رحمه الله که این کتاب را تصحیح نموده، آن را با عنوان *اعجاز البیان فی تفسیر أم القرآن* به چاپ رسانده است. کتاب چنان‌که از نامش پیداست شرحی است عرفانی بر سوره حمد که مشتمل بر مباحثی در عرفان نظری و هم در سیر و سلوک عملی است. او در تفسیر آیه «اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» به عالی‌ترین مباحث سیر و سلوک در باب نظری آن مشتمل بر مراتب سیر و سلوک و در باب عملی آن می‌پردازد. مبدأ الشروع فی درجات الکمال الإیمانی من مقام التوبة فالصراط المستقیم العدل الوسط فی التوبة عبارة عن التلبس بالحالة الخاصة من الشوائب المنافية للصدق.^۲

همچنین در خصوص مراتب علم، هدایت، اعتدال، غضب، رجا، نسیم، ضلال و... اشارات عرفانی زیبایی شده است.

۲. شرح الأربعین حديثاً

کتاب، بر خلاف آنچه از نامش پیداست، تنها به شرح ۲۹ حدیث پرداخته است. قونوی در این کتاب احادیث را تأویل یا تفسیر عرفانی نموده و چنان‌که خود در مقدمه یادآور شده، روش متقدمین اهل فضل را دنبال ننموده و به معانی ظاهری و یا به

۱. *النفحات الإلهیه*، ص ۱۸.

۲. *اعجاز البیان*، ص ۲۶۹.

عبارات و الفاظ احادیث نپرداخته است، چرا که در این امور، فضیلت و فایده چندان نیست. مهم، شناخت مقصود پیامبر اکرم ﷺ و بیان حکمت‌ها و اسراری است که کلام نبوی در خود نهفته دارد و اصول شریعت از کتاب و سنت نیز آن را تأیید و عقول روشن و سلیم و فطرت‌های مستقیم هم بر صحت آن گواهی می‌دهند.^۱

در این کتاب درباره طهارت و اسرار آن، سرّ تکبیر در صعود و تسبیح در هبوط، روح داشتن تمامی صورت‌ها، حروف و ارواح آن‌ها، معنی توبه، تمثیل عوالم، زمان سحر و حقیقت آن، در است کشیدن به صورت بعد از دعا، صفات مذمومه، اعمال و رفتار دنیوی، مسافت بین آسمان‌ها و زمین، رفعت انبیا، بعضی از اسرار نماز و وضو و صبر و صدقه و متابعت از قرآن، ترکیب انسان از روح و جسم و نفس، معنی یمین و شمال و سرّ آن دو، سرّ تحریم با، اسماء حسنی و اسم اعظم، تأثیر دعا با تحقق قضا و قدر، سرّ حرمت زنا و حدود سرعیه، رجم و اسرار آن، اسرار تجلی رب برای نبی، اثر کفاره، سرّ عدم تمثیل شیطان به صورت نبی اکرم ﷺ و تعبیر رؤیت نبی در خواب، اشاره به اسرار مناجات، سرّ قرائت فاتحه الکبر، بهت ارتباط هر موجود با حق، راز رو نمودن نبی به اشخاص با تمام وجودش، زمان، خلقت آدم بر صورت حضرت حق، نفحات الهی، بحث شده است.

۳. الرسالة الهادیه

این رساله پیرامون حقیقت الهی و صفات حقیقی اشیاست و از مراسلاتی است که به خواجه نصیرالدین طوسی ارسال داشته است.

۱. وَإِنْ قَدَّرَ لِبَعْضِهِمُ الْكَلَامَ عَلَيْهَا، وَإِنَّمَا يَتَكَلَّمُ عَلَيْهَا مِنْ حَيْثُ إِعْرَابُهَا أَوْ الْمَقْهُومُ مِنْ ظَاهِرِهَا مِمَّا لَا يَخْفَى عَلَى مَنْ لَهُ أَدْنَى مِشَارَكَةٍ فِي الْعَرَبِيَّةِ، وَمَنْ لَهُ فِطْرَةٌ سَلِيمَةٌ، وَلَيْسَ فِي كُلِّ ذَلِكَ كَثِيرُ فَضِيلَةٍ، وَلَا مَزِيدُ فَائِدَةٍ، وَإِنَّمَا الشَّأْنُ فِي مَعْرِفَةِ مَقْصُودِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَبَيَانِ مَا تَضَمَّنَتْهُ كَلَامُهُ مِنَ الْحُكْمِ وَالْأَسْرَارِ بَيَانًا يُعْضِدُهُ أَصُولُ الشَّرِيعَةِ مِنَ الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ، وَيَشْهَدُ بِصَحَّتِهِ الْعُقُولُ الْمُنَوَّرَةُ السَّلِيمَةُ وَالْفِطْرَةُ الظَّاهِرَةُ الْمُسْتَقِيمَةُ. (شرح الأربعين حديثاً، مقدمه،